

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دادگاه داوری دعاوی ایران - ایالات متحده
FILED -	ثبت شد
No. ۴۳ ۴۳	شماره:
Date 9 DEC 1982	حکم در مورد صلاحیت
۱۳۶۱ / ۹ / ۱۸	شماره:
	تی - اف - ۴۳ - ۱۰ - ۱۱ - تی - آی

پرونده شماره ۴۳

موضوع مورد بحث اینست که آیا دیوان دادرسی صلاحیت رسیدگی به دعاوی مبتنی بر قرار اراده بین خواهان و شرکت خدمات نفتی ایران، (اسکو) را دارد یا خیر. تصمیم‌گیری در مورد این موضوع توسط شعبه یک به دیوان عمومی ارجاع گردیده است.

طرفین:

اویل فیلدز آوتکزا س، اینکورپوریتد،  
خواهان

- - -

دولت جمهوری اسلامی ایران،  
شرکت ملی نفت ایران،  
شرکت خدمات نفتی ایران،  
خواندگان.

نمايندگان خواهان:

وكيل خواهان:

آقای پلات دبلیو. دیویس (سوم)

آقای لارنس دبلیو. نیومن،

مشاوري:

آقای کارل آر. شنکر، جونیور،

آقای آنتونی جی. پترلو،

آقای آکسل اچ. بائوم، و

آقای حمید صبی

آقای آلن راج، رئيس هيات اویل فیلدز آوتکزا س،



## نما يندگان دولت جمهوری اسلامی ایران و شرکت ملی نفت ایران :

آقای محمدکریم اشراق، نما ينده رابط جمهوری اسلامی ایران،

آقای ا. موری، نما ينده شرکت ملی نفت ایران .

پرسپورتی. دبلیو. بووت ، و

آقای آ. ر. آ. براؤن، مشاورین

نما ينده شرکت خدمات نفتی ایران حضورنداشت .

### مقدمه

خواهان پروندهای دشده در با لاء، طی قراردا دموردخ ۲۶ فوریه ۱۹۷۵ (۷ اسفندماه ۱۳۵۳) و متهمها و اصلاحیه های بعدی، منعقدبین خواهان و شرکت خدمات نفتی ایران (اسکو) موافقت کرد که تجهیزات خاصی را به اسکواجا ره دهد. این قراردا دا جاره شا مل چهار سیستم جلوگیری از فوران نفت ("استاک" - Stack) همراه با تجهیزات مربوطه مورد استفاده در برنا معا کتشاف و حفاری بود که توسط شرکت نفت ایران در مناطق جنوبی ایران اجرا می شد. دستگاه جلوگیری از فوران دستگاهی است که به منظور جلوگیری از فوران کنترل نشده موادیا ل از چاه ساخته شده است .

برطبق شرایط قراردا جاره، اسکو ملزم است که در ازاء چهار دستگاه جلوگیری از فوران که به وی اجاره داده شده، نرخ روزانه معینی را به خواهان پردازد. قراردا جاره همچنین متف适用 اینست که اسکوبا یده رگونه زیان یا خساره وارد نماید و دستگاهها در طی مدت اجاره را جبرا ن نموده و در صورت تلف شدن یا آسیب رفت هر واحدا ز دستگاهها، اجاره بهای آن را کما کان تا هنگام تحويل یک عوض مناسب و یا تحويل وجهه کافی به خواهان جهت چنین عوضی، به خواهان پرداخت نماید. خواهان اظهار می دارد که اسکله هنگامی که تحت اجاره و در تصرف اسکو بود طی یک حريق ناشی از فوران در تاریخ ۱ اوست ۱۹۷۸ (۱۰ مردادماه ۱۳۵۷) سوخت و به کلی نا بودش. علاوه بر تجهیزاتی که بدوان "توسط خواهان به موجب قراردا دا خیرالذکر به اسکواجا ره داده شده بود، خواهان یک دستگاه جلوگیری از فوران دیگر به اسکواجا ره داد، که بنابر اظهار خواهان، در تاریخ ۱۸ فوریه ۱۹۷۸ (۵ بهمن ماه ۱۳۵۶) به صورت آسیب دیده به وی عودت داده شد. با لآخره، اسکو موافق است که بود که مقداری

تجهیزات که جهت استفاده در عملیات دستگاههای جلوگیری از فوران توسط خواهان به اسکو اجاره داده شده بود، خریداری نماید. خواهان اظهار می‌داشد که تجهیزات فوق به اسکو تحويل داده شد، اما اسکواز پرداخت بهای آنها به خواهان، علیرغم درخواستهای مکرروی، خودداری ورزیده است.

خواهان استدلال می‌کند که شرکت ملی نفت ایران مسئول تعهدات قراردادی اسکوبوده و یک واحد، سازمان یا موسسه تحت کنترل ایران می‌باشد. بدینسان، برآسان قراردادهای منعقد با اسکو، خواهان پرونده حاضر از شرکت نفت با بت زیانها و مخارج زیر، همراه با بهره آنها، مطالبه خسارتخواست می‌کند:

(الف) بهای فعلی تجهیزات اجاره داده شده که بنا به ادعای وی ظیح در ایران نابود شده (ب) اجاره روزانه پرداخت نشده، از جمله اجاره "استاک" نابود شده دستگاههای جلوگیری از فوران از تاریخ یکم آوت ۱۹۷۸ (۱۵ مردادماه ۱۳۵۶)، (ج) هزینه متحمله جهت تعمیر خسارتخواست ادعایی وارد به تجهیزات مسترد شده در فوریه ۱۹۷۸ (بهمن ۱۳۵۶)، (د) قیمت فعلی تجهیزاتی که، به گفته خواهان، اسکوسفارش داده و دریافت کرده ولی بهای آنرا نپرداخته است و (ه) ارزش فعلی بقیه دستگاههای جلوگیری از فوران که طبق ادعای خوانده مرجع نشده است. خواهان، ضمن دادخواست خود، با بت این باصطلاح زیانها و مخارج، از دولت ایران مطالبه خسارتخواست می‌کند.

خواندگان این نکته را که دولت ایران یا شرکت ملی نفت ایران در مقابل تعهدات اسکومسئول هستند، تکذیب کرده و اظهار میدارند که دیوان داوری مرجع صالح برای رسیدگی به ادعاهای مذکور در فوق نمی‌باشد.

علاوه بر این ادعاهای مبنی بر قرارداد، خواهان از شرکت ملی نفت ایران، از جمله، برآسان نظریه دارا شدن بنا حق، واز دولت ایران، با استناد به این نظریه که دولت ایران حقوق مالکیت اولیل فیلدز در قرارداد اجاره را برخلاف حقوق بین‌الملل مصادره کرده است، ادعای خسارتخواست مینماید.

### موضوع مورد بحث

برطبق ماده ۲ بیانیه دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر درباره حل و فصل دعاوی توسط دولت ایالات متحده آمریکا و دولت جمهوری اسلامی ایران ("بیانیه حل و فصل دعاوی")، دیوان نسبت به اقسام دعاوی زیردارای صلاحیت است:

الف - ادعاهای اتباع ایالات متحده علیه ایران و ادعاهای اتابع ایران علیه ایالات متحده .

ب - ادعاهای رسمی ایالات متحده و ایران علیه یکدیگر که ناشی از ترتیبات قراردادی فیما بین جهت خرید و فروش کالاها و خدمات باشد .

پ - اختلافات خاص در مورد تفسیر یا اجرای هر یک از شرایط (بیانیه‌های الجزایر) .

عبارت " ایران " در بند ۳ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی به شرح زیر تعریف شده است :

" ایران " یعنی دولت ایران و هر نوع سازمان فرعی سیاسی ایران و هر نوع موسسه ، واحد و تشکیلاتی که به وسیله دولت ایران و یا سازمانهای سیاسی فرعی آن کنترل می‌شود " .

بر طبق دستورالعمل دره توسط دیوان داوری ، ایران و شرکت ملی نفت ایران ، در تاریخ ۳۰ آوریل ۱۹۸۲ (۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۶۱) یک لایحه دفا عیه مقدماتی در مورد موضوع صلاحیت به دیوان تسلیم داشتند . ایران و شرکت نفت طی این لایحه اظهار داشته‌اند که هیچ یک از ادعاهای مطروحه توسط اویل فیلد آوتکراس (" اویل فیلد ") در حیطه صلاحیت دیوان نیست ، چرا که این ادعاهای متوجه دولت ایران یا شرکت نفت نمی‌باشد ، بلکه صرفاً " فقط علیه اسکو یعنی یک شرکت سهامی خاص ثبت شده در ایران ، قابل طرح است . خواندگان اظهار می‌داشته‌اند که شرکت ملی نفت ارگان یا سازمان سیاسی فرعی دولت ایران نیست ، و نه دولت ایران و نه شرکت نفت هیچ‌کدام بر اسکو کنترلی نداشت ، و ، با لنتیجه ، اسکو در محدوده تعریف " ایران " در ذیل بند ۳ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی نمی‌گنجد .

شعبه یک دیوان داوری که این دعوا بدان ارجاع گردیده ، طی دستورالعمل ۶ ماه ۱۹۸۲ (۱۶ اردیبهشت ماه ۱۳۶۱) تصمیم‌گرفت که فقط برای استماع و اتخاذ ذاتصیم نسبت به موضوعات صلاحیت مطروحه در لایحه دفا عیه مقدماتی مورخ ۳۰ آوریل ۱۹۸۲ ، از خود به نفع " دیوان عمومی " سلب صلاحیت نماید .

پیرو دستورالعمل ، خواهان لایحه‌ای را در پاسخ به دفا عیه مقدماتی تسلیم داشته است . شرکت نفت نیز در تاریخ ۱۹ ژوئیه ۱۹۸۲ (۲۸ تیر ماه ۱۳۶۱) لایحه جوابیه‌ای نزد دیوان به ثبت رسانید . طرفین ادله‌شفاهی خود را طی جلسات رسیدگی مورخ ۲۸ - ۲۶ ژوئیه ۱۹۸۲ (۶ - ۴ مرداد ماه ۱۳۶۱) در دیوان داوری ابراز داشتند .

موضوعاتی که بدینظریق توسط طرفین مطرح و به عنوان موضوعات صلاحیت موردا شاره آنان  
واقع شده همچنین متضمن مسئله مسئولیت شرکت نفت درقبال ادعاهاست.

خواهان دلایل زیر را در تائید ادعای خود مبنی بر اینکه شرکت ملی نفت ایران مسئول  
تعهدات قراردادی اسکو هستند دیوان داوری مرجع صالح برای رسیدگی به ادعاهای  
ناشیه از قراردادها است، عنوان نموده است:

- (۱) اسکو در رابطه با قبول تعهدات مورد بحث در پرونده حاضر به عنوان عامل و کارگزار  
شرکت نفت عمل کرده است،
- (۲) اسکو تحت کنترل شرکت ملی نفت ایران بوده است،
- (۳) شرکت نفت قائم مقام قانونی برای بدھیها و تعهدات اسکومیباشد، و
- (۴) انکار مسئولیت توسط شرکت نفت مغایر با عملکرد گذشته وی میباشد.

خواهان اظهار میدارده که در صورتی که دیوان تشخیص دهد که به موجب هر یک ازادیه با لاصلاحیت  
رسیدگی به ادعاهای مطروحه بر اساس قراردادهای منعقد با اسکوراندا رد، شرکت ملی نفت  
ایران به موجب سایر نظریه‌ها از قبل نظریه "داراشدن به مناقب" با یدمسئول شناخته شود،  
زیرا که منافع هنگفتی از این قراردادها نصیب وی شده است.

#### اسکو - خلاصه‌ای از سابقه تاریخی و حقوقی

در ماه مارس ۱۹۵۱/۱۳۲۹ سفند در مجلس شورای اسلامی ایران قانونی را وضع کرده که به موجب آن  
صنعت نفت ایران ملی گردید. بعداً، متعاقب یک کودتا در ایران، یک تعداد شرکتهاي  
عمده نفتی چندملیتی یك کنسرسیوم تشکیل دادند که موافق نامه‌ای را جهت اکتشاف، تولید،  
تصفیه و صدور نفت ایران ("موافق نامه ۱۹۵۴") به امضاء رساندند.

موافق نامه ۱۹۵۴ ایجاد تأسیس دو شرکت تحت عنوان "شرکت اکتشاف و تولید نفت ایران"  
و "شرکت تصفیه نفت ایران" را توسط اعضای کنسرسیوم و بر طبق قوانین کشورهای پیش‌بینی  
می‌نمود. وظایف این دو شرکت عبارت بود از اکتشاف، تولید، پالایش، حمل و سایر عملیات  
مشروطه موافق نامه. موافق نامه فوق مقرر میداشت که کنسرسیوم بودجه کلیه عملیات  
"شرکت اکتشاف و تولید نفت ایران" و "شرکت تصفیه نفت ایران" را تا مین خواهد کرد و  
اعضا کنسرسیوم متفاوتانه (مشترکاً و انفراد) عملکردان شرکت‌ها را تضمین خواهند کرد.

موافقت نامه ۱۹۵۴ در سال ۱۹۷۳ جای خود را به یک موافقت نامه جدید (موافقت نامه اصلی ۱۹۷۳) داد. در مقدمه موافقت نامه اصلی ۱۹۷۳ آمده است:

ایران تصمیم گرفته است که حق مالکیت، استفاده و کنترل کلیه ذخایر هیدروکاربن، دارائیها و اداره صنعت نفت، بطورکامل با شرکت ملی نفت ایران باشد.

شرکت ملی نفت ایران یک شرکت سهامی خاص است که در تاریخ ۲۹ آوریل ۱۹۵۱ (۹ اردیبهشت ۱۳۳۰) مطابق قوانین ایران تاسیس یافت. کلیه سهام شرکت مزبور همواره متعلق به دولت ایران بوده و هست. شرکت ملی نفت برای اعمال حقوق مالکیت ملت ایران نسبت به منابع نفت و گاز سرا سرکشورو فلات قاره و به عهده گرفتن مسئولیت اکتشاف، توسعه، تولید، مصرف و توزیع نفت و محصولات نفتی، هم در داخل و هم در خارج ایران، تاسیس یافت. وزارت نفت ایران متعاقباً "برخی از وظایف شرکت ملی نفت ایران را عهده دارد".

موافقت نامه اصلی ۱۹۷۳ به کار "شرکت اکتشاف و تولید نفت ایران" و "شرکت تصفیه نفت ایران" پایان بخشید و اداره عملیات نفتی را به عهده شرکت ملی نفت گذاشت.

موافقت نامه همچنین مقرر می‌داشت که اعضای کنسرسیووم یک "شرکت خدماتی" تشکیل دهند. این شرکت خدماتی، یعنی اسکو، می‌باشد که عنوان یک شرکت سهامی غیر انتفاعی ایرانی تشکیل یابد. مواد مربوطه موافقت نامه اصلی ۱۹۷۳ چنین مقرر می‌دارد:

## ساده ۱۱

الف - شرکت ملی نفت ایران تمام سرمایه و سایر وجوه لازم برای کلیه عملیات مذکور در این قرارداد را فراموش خواهد کرد.

ب - شرکتهاى بازارگانى (یعنى شرکتهاى که حقوق و تعهدات اعضای کنسرسیووم را در رابطه با خرید و فروش مجدد نفت خام به اجراء در می آورند) به عنوان پیش پرداخت بهای نفت خا می که قرار است خریداری کنند، در هر سال قسمتی ازوجوه را که شرکت ملی نفت ایران برای هزینه های سرمایه ای سالانه لازم دارد بروفق دستورالعملی که بین شرکتهاى بازارگانى و شرکت ملی نفت ایران توانیت شود به شرکت ملی نفت ایران مساعده خواهد داد. هزینه های سرمایه ای سالانه مزبور با یددربودجه سالانه مربوط

به عملیات موضوع این قرارداد (ویا در هرگونه تجدیدنظر مربوط به این بودجه‌ها) که بر طبق ماده ۱۶ این قرارداد توسط شرکت ملی نفت ایران تصویب و صادر می‌شود منظور شده باشد.

ج - مبلغ مساعده‌که در هر سال توسط شرکتهای بازرگانی پرداخت می‌شود چهل درصد موجوه‌ی خواهد بود که شرکت ملی نفت ایران برای تامین هزینه‌های سرمایه‌ای مزبور احتیاج دارد. شرکتهای بازرگانی مخیر خواهند بود که این نسبت را گاه به گاه با دادن اخطارکتبی قبلی دو ساله به شرکت ملی نفت ایران تغییر دهنده‌لوی هیچ‌گونه اخطاری برای تغییر نسبت مذبور را پنج سال پس از تاریخ اجرا منشاء اثربخشیده باشد.

د - هر مساعده سالانه‌ای که به موجب جزء ب بالابه و سیله شرکتهای بازرگانی پرداخت شود در مقابل بدھیه‌ای شرکتهای مذبور را زبالت نفت خامی که بعداً "از طرف شرکت ملی نفت به آنان فروخته می‌شود" منظور خواهد شد و به اقساط مساوی سالانه در ظرف یک دوره ده ساله از سال پس از پرداخت مساعده بر طبق دستورالعملی که بین شرکت ملی نفت ایران و شرکتهای بازرگانی توانفق شود پا یا پای خواهد گردید.

### ماده ۱۶

الف - به منظور تهیه برنامه‌ها و بودجه‌ها مربوط به عملیاتی که با یاری موجب این قرارداد انجام شود، اقدامات زیر به عمل خواهد آمد:

۱ - اعضای کنسرسیوم در نوا مبره‌سال صورت احتیاجات خود را با بت مقدار نفت خام از هر درجه که در سال بعد برداشت خواهند کرد و همچنین برآورده احتیاجات خود را از با بت نفت خام از هر درجه که در طی هر یک از چهار سال بعد برداشت خواهند کرد به شرکت ملی نفت ایران تسلیم خواهند کرد.

۲ - در دسا مبره هر سال شرکت ملی نفت ایران و اعضای کنسرسیوم جهت مشورت درباره طرح موقت اکتشاف و گسترش ظرفیت برای پنج سال مورد اشاره در بند ۱ بالا تشکیل جلسه خواهند کرد.

ماده ۱۷

الف - اعضاى کنسرسیوم ترتیب تا سیس شرکت خدماتی را در ایران به صورت یک شرکت سهامی خاص غیرانتقادی خواهند داشت معملاً از طرف شرکت ملی نفت ایران را به موجب پیمان خدماتی که قرار است با شرکت ملی نفت ایران منعقد شود انجام دهد. مدت اولیه پیمان خدمات پنج سال خواهد بود و آن پس نیز تازماً نیکه یکی از طرفین برای پایان دادن به آن اخطاریه قبلی دو ساله کتبی بددهد معتبر خواهد بود.

ب - شرکت ملی نفت تمام سرمایه و سایر جوهری را که برای انجام خدمات ملی نفت به شرکت خدمات لازم باشد طبق مقررات پیمان خدمات در اختیار شرکت خدمات خواهد گذاشت.

در تاریخ ۲ ژوئیه ۱۹۷۳ (۱۱ تیرماه ۱۳۵۲) اسکو به عنوان یک شرکت ایرانی تاسیس و به ثبت رسید. اساساً مده آن مقرر می‌داشد که موضوع شرکت به عنوان پیمانکار شرکت ملی نفت ایران، و برطبق شرایط قرارداد خدماتی فیما بین شرکت نفت و اسکو، عبارتست از اجرای شرایط مربوطه موافقت نامه اصلی ۱۹۷۳ در با راه‌آktیاف، توسعه و تولید نفت و محصولات نفتی و عملیات تبدیل و حمل اینگونه محصولات. سرمایه شرکت به میزان یک میلیون ریال تعیین گردیده و کلیه سهام آن همیشه نهاده می‌شود.

اساساً مه‌هم چنین مقرر می‌داشد که جلسات عمومی عادی شرکت حداقل یکبار در سال برگزار و جلسات عمومی فوق العاده - از حمله - بنا به تصمیم هیات مدیره، در هر زمان از سال قابل تشکیل می‌باشد.

برطبق اساساً مه، جلسات عمومی عادی دارای اجازه و اختیار جهت اقدام در موارد زیر می‌باشد: استماع گزارشها و پیشنهادهای مربوط به وضعیت مالی شرکت و ترازنای مهادله، تعیین اجرت مدیران، بازرس و حساب برسان، تصویب و تنفيذ انتخاب مدیران، بازرس و حساب برسان، انتخاب رئیس و مدیرعامل و معاون و قائم مقام مدیرعامل از میان مدیران.

در جلسه عمومی فوق العاده شرکت سهامداران دارای اختیارات زیر هستند:

انتخابات تصمیم در باره تغییر اساساً مه، هرگونه افزایش سرمایه شرکت، انحلال شرکت یا تغییر نام آن و نیز تصمیم در باره موضوعی که در حیطه اختیارات جلسه عمومی عادی نباشد.

راجع به آراء سها مداران در جلسات عمومی، اساسنا مه مقرر می‌داشد که هر سها مداری که ۲۱ روز پیش از تاریخ جلسه‌نام وی در دفتر ثبت سها مداران وارد شده باشد، دارای یک رای برای هرسهم ثبت شده به نام وی خواهد بود. تصمیمات جلسات عمومی در صورت حاصل شدن اکثریت آراء جنبه‌قانوونی خواهد داشت.

هیات مدیره شامل حداقل چهار روح‌داشت‌کثرهفت عضو به انتخاب جلسه عمومی خواهد بود. بر طبق اساسنا مه، هیات مدیره مرجع تا مالاختیارونما بینده حقوقی شرکت درا داره امور آن در هر زمان و بدون هیچ محدودیتی، می‌باشد.

به موجب ماده ۱۷ (الف) موافقت نامه‌اصلی ۱۹۷۳، شرکت ملی نفت ایران در تاریخ ۱۹ اژوئیه ۱۹۷۳ (۲۸ تیرماه ۱۳۵۲) یک قرارداد خدماتی با اسکو منعقد ساخت (قرارداد خدماتی ۱۹۷۳). در قسمتی از مقدمه‌این قرارداد، چنین آمده است:

"از آنجاکه شرکت خدمات تحت قوانین ایران تشکیل و ثبت گردیده و ازان جا که شرکت نفت، مالک و گرداننده حوزه تعیین شده در موافقت نامه‌اصلی، مایل به استفاده از خدمات شرکت خدمات برای هدایت عملیات حوزه می‌باشد و همچنین به جهت اطمینان از اینکه عملیات مربوطه در خلال مدت قرارداد به نحومقتضی و کار آنجام گردد، طرفین به این عقداً این قرارداد مبادله نمودند....."

شایط و مقررات مربوطه قرارداد خدماتی فوق الذکر به شرح زیر می‌باشد:

## ماده ۲ - عملیات

شرکت نفت بدینوسیله‌ان قسمت از عملیات موافقت نامه‌اصلی که مربوط به اکتشاف، توسعه و تولید نفت خام و گاز طبیعی و عمل آوردن گاز طبیعی مایع و همچنین حمل نفت خام و فرآورده‌های گاز طبیعی مایع به مخازن و بنا در مربوطه و با رگیری از آنها می‌شود و از آیی پس تنها "عملیات" خوانده خواهد شد، به استثنای کارهای مربوط به عملیات انجام شده توسط شرکت نفت قبل از اجرای این پیمان، را به شرکت خدمات واگذار می‌نماید.

شرکت خدمات به عنوان یک پیمانکار، عملیات مربوطه را بر حسب روش‌های درست صنعت نفت واصل صحیح مهندسی به نام بیندگی و تحت هدایت و کنترل شرکت نفت انجام خواهد داد.

### ما ده ۳ - برنا مه ریزی و بودجه

شرکت خدمات به محض دریافت، و با درنظرگرفتن محدودیتها، دستورالعملها را صادره از طرف شرکت نفت بر حسب ما ده ۱۶ موافقتنا مه اصلی، مشروح برنا مهها و بودجه عملیاتی و توسعه ای خود را برای تصویب به شرکت نفت تسلیم خواهد کرد.

پیشنهادات برنا مهای و بودجه ای شرکت خدمات که بر حسب دستورالعملها را شرکت نفت تنظیم میگردد، دوراً حلها را جانشین با یستی برای انتخاب و تصویب به شرکت نفت تسلیم گردد. پیشنهادات بودجه ای و اصلاحات مربوط به آن پس از تصویب شرکت نفت با یادا زطرف شرکت خدمات اجرا گردد.

در ارتباط با آما ده کردن برنا مهها، نقشه ها و بودجه ها، شرکت نفت ممکن است از شرکت خدمات بخواهد که از طریق مشاورین و پیمانکاران فرعی مطالعاتی را که شرکت نفت برای ریختن برنا مهای آینده لازم تشخیص میدهد، نجا م دهد.

### ما ده ۴ : استخدام پیمانکاران و مشاورین، نمایندگی مواد

شرکت خدمات از روز اجرای این قرارداد، دویا به محض امکان پس از آن، کلیه قراردادهای منعقده با پیمانکاران و مشاورین در گیر در عملیات را تا آن جا که این قبیل پیمانکاران و مشاورین تمايل دارند بر عهده خواهد گرفت.

از روز اجرای قرارداد، دویا در نظر گرفتن روشها را مورد عمل در عملیات و یا اصلاحات مربوط به آن و همچنین با در نظر گرفتن هر روشی که طرفین در مورد آنها موافق نمایند، شرکت خدمات با توجه به بودجه تصویب شده از طرف شرکت نفت میتواند قراردادهایی با پیمانکاران فرعی و مشاورین منعقد و مصالحی را خریداری و اداره نماید.

### ما ده ۶: کارکنان

از روز اجرای قرارداد، شرکت خدمات قراردادهای خدمتی افراد استخدام شده در عملیات را که تحت شرایط قراردادهای خدمتی خود تمايل به خدمت در شرکت خدمات را دارد، بر عهده خواهد گرفت. پس از آن کارکنان توسط شرکت خدمات انتخاب و مشمول قوانین این شرکت که گاهی هبا قوانین شرکت نفت هما هنگ میشود خواهند بود.

شرکت خدمات با نظر شرکت نفت برنا مهای تعلیمی، صنفی و فنی و آموزش کارکنان خود را به نحو مقتضی تهیه و برای اجرای این برنا مهها در قبال شرکت نفت مسئولیت خواهد داشت.

#### ماده ۲: روش و عملکرد کارکنان و حسابداری

شرکت خدمات روشهای پرسنلی و حسابداری را مطابق با روشهای عملیاتی مورداستفاده در روز اجرای قرارداد اتخاذ آنها را مطابق اصلاحات و روشهای جانشین موردموا فقط گاهگاه طرفین، اعمال خواهدکرد.

#### ماده ۸: خدمات شرکت نفت

مسکن، مراقبتهاي بهداشتی و سایروسايل رفاهی که شرکت خدمات برای کارکنان خود وابستگان آنها لازم بداند توسط شرکت نفت تامین خواهدشد. گاهگاه بصورت لزوم طرفین در مورد عرضه این قبیل خدمات از طرف شرکت نفت برای عملیات با یکدیگر مشورت خواهند داشتند.

#### ماده ۱۰: هزینه، تامین اعتبار، حسابها، حسابرسی

شرکت خدمات وظایف خود تحت این قرارداد را برمبنای غیرانتفاعی انجام و کلیه هزینه های متحمله به حساب و بر عهده شرکت نفت خواهد بود. شرکت خدمات هرساله (وهرماهه بطور موقت) صورتحسابهاي هزینه ها را بصورت موردن تصویب شرکت نفت تهیه و به این شرکت تسلیم خواهد کرد.

شرکت نفت کلیه سرمایه و وجوده ضروری برای انجام این قرارداد را در اختیار شرکت خدمات خواهد گذاشت و طرفین در مورد طریقه دریافت وجوده لازم برای تامین اعتبار توافق خواهند کرد.

دفاتر و حسابهای اصلی شرکت خدمات به دلار امریکا خواهد بود و برای این مقصود هرگونه تبدیل نرخ لازم از هر رزی سوای دلار برمبنای ماده ۲۲ موافقتنا مه اصلی انجام خواهد گرفت.

شرکت نفت یک شرکت حسابرسی شناخته شده بین المللی را برای رسیدگی سائلنی به دفاتر و حسابهای شرکت خدمات و تأثید حسابهای که بر طبق مفاد این ماده به شرکت نفت تسلیم می شود، منصوب خواهد شد. با درنظر گرفتن مفاد این ماده، شرکت خدمات مجاز به انتصاب حسابدارانی برای انجام مقاصد خویش می باشد.

علاوه، ماده ۵ قرارداد خدمات ۱۹۷۳ مقرر می دارد که اسکوپا "ایروس"، شرکت خدمات نفتی ایران با مسئولیت محدود، یعنی شرکتی که تحت قوانین انگلستان تاسیس یافته، قراردادی منعقد خواهد داشت. "ایروس" طبق پیش بینی همین ماده، خدمات مربوط به تهیه، بازرگانی و ارسال مواد، و همینطور خدمات اداری و فنی را به نحوی که اجرای آن موردن تقاضای اسکو در خارج از ایران باشد، ارائه خواهد کرد.

## دلایل

در دادخواستی که بدوسه "توسط خواهان ثبت گردیده از اسکونیز به عنوان یکی از خوانندگان پرونده حاضرنا م برده شده است. معاذلک، در طی جلسه استماع مورخ ۲۸-۲۶ ژوئیه ۱۹۸۲ (۶-۴ مردادماه ۱۳۶۱) خواهان موضع خود را در این رابطه مشخص نمود.

به طوری که خواهان نهایتاً "موضع خود را روشن ساخته، هیچگونه ادعای مالی نسبت به اسکو ندارد و درنتیجه، جبرا ن خسارات و هزینه های خود را فقط از دولت ایران و شرکت ملی نفت ایران خواستار است. بنابراین، دیوان داوری مكلف به تصمیم گیری در این مسئله نیست که آیا نسبت به ادعای متروقه علیه اسکوت تحت باصلاح این عنوان که اسکودر مدت های مربوط یک واحد تحقیق دولت ایران در محدوده تعریف بند<sup>۳</sup>، ماده هفت بیانیه حل و فصل ادعاهای بوده است یا خیر، صلاحیت دارد یا ندارد؟

معاذلک، تعیین اینکه شرکت ملی نفت ایران یک واحد تحقیق دولت ایران در محدوده تعریف آن ماده هست یا خیر به عهده دیوان است.

خوانندگان قبول ندارند که شرکت ملی نفت ایران چنین واحدی است و درنتیجه، تصمیم گیری در مورد این موضع را به دیوان داوری واگذا رکرده است.

سوابق موجود در این پرونده، حاکی از آنست که شرکت نفت، طبق قانون درسال ۱۹۵۱/۱۳۳۰ تاسیس یافته، کلیه سهام شرکت همیشه متعلق به دولت ایران بوده و هست، و شرکت مزبور بر طبق اساسنا م مخدود، به منظور اعمال حقوق مالکیت ایران برمنابع نفت و گازکشروعه دهادارشدن مسئولیت اکتشاف، توسعه، تولید، بهره بردازی و پخش نفت و محصولات نفتی در داخل و خارج ایران تاسیس گردیده و با لآخره اینکه وزارت نفت ایران اکنون عهده دار برخی از وظایف شرکت ملی نفت ایران می باشد.

علاوه بر این، به موجب اساسنا مه نما یندگی سها مدارا نشرکت نخست وزیر ورش و وزیر دیگر کا بینه در جلسات عمومی شرکت عهده دار هستند.

بنابراین روشن است که شرکت ملی نفت ایران در تمام دوره های مربوط، تحت کنترل دولت ایران بوده و هست. با توجه به هدف و منظور یا دشده شرکت و نیز با توجه به اطلاعات موجود دیگر واضح است که شرکت ملی نفت ایران یکی از ابزارهایی است که دولت ایران بدانوسیله خط مشی وسیاست نفتی کشور را اعمال کرده و می کند. علیهذا، روشن است که شرکت ملی نفت ایران یک موسسه یا تشکیلات تحت کنترل دولت ایران می باشد.

در مورد موضوع تعهدات، خواهان دروغ‌لها اول اظهار می‌داشد که شرکت نفت مسئول تعهدات قراردادی اسکواست، چها سکوبه عنوان عامل و کارگزار شرکت نفت در رابطه با قبیل تعهدات مورد بحث عمل کرده است.

در تائید این اظهار، خواهان ابراز می‌داشد که اصول عام حقوق تجارت با پیش‌نیوی حاکم بر تعهدات شرکت نفت باشد. این اصول متناسب آنست که شرکت نفت باید، به عنوان سازمان مهندسی، برای دیون و تعهدات تحت قرارداد اجاره، مسئول شناخته شود. خواهان چنین استدلال می‌کند که پاره‌ای از شرایط و مقررات قرارداد اصلی ۱۹۷۳، قرارداد خدمات ۱۹۷۳ خود قرارداد اجاره‌ها کیست که اسکوبه عنوان عامل و کارگزار شرکت نفت عمل کرده است.

با لآخره، خواهان اظهار می‌داشت که موقعیت اسکوبه عنوان کارگزار شرکت نفت با توجه به باصطلاح "سوگندنا مهوفا داری" که اول فیلدز و شرکتها دیگر طرف قرارداد اسکوملزم به تکمیل آن بودند، تائید می‌شود. این فرم سوگندنا مه متناسب تصدیق و قبول این مطلب توسط آویل فیلدز بود که وارد در فعالیت‌های تجاری با دولت شاهنشاهی ایران، برای این دولت و با شرکت این دولت "شده است".

خوانندگان منکرا این هستند که رابطه بین شرکت نفت و اسکوتا بع اصول عام حقوق تجارت است و اینطور استدلال می‌کنند که این مسئله که شرکت نفت به عنوان شرکت ما در اسکو در برخواهان مسئول است یا خیر، با پیش‌نیوی با مراجعت به قوانین ایران تعیین شود. بعلاوه، خوانندگان می‌گویند که طبق قوانین ایران رابطه بین شرکت نفت و اسکورا بسط کار فرمائی و پیمانکاری است و نمی‌توان آنرا به عنوان رابطه شرکت ما در شرکت کارگزاری را تعریف کرد.

اسکوبه منظور را به خدمات جهت نیازهای شرکت نفت و کمپانیهای نفتی، هردو، تاسیس شد. اداره آن به طور مشترک انجام می‌گرفت، و هر دو گروه از منافع حاصل از فعالیت‌های آن بهره می‌بردند. اسکویک سازمان منحصر به فرد بود چه برای خدمت به منافع مستقل شرکت نفت و کمپانیهای نفتی که مسلم است "قاداشتاراک همیشگی" بودند، به وجود آمدند. این دو گانگی منحصر بفرد، به نوبه خود مشکل تعیین مسئله کارگزاری را حاده می‌سازد.

این نکته صحیح است که برخی از شرایط مندرج در موافقت نامه اصلی ۱۹۷۳ و قرارداد خدمات ۱۹۷۳، به شرح مذکور توسط خواهان بیان می‌داشند که برخی از عملیات اسکوبه‌نما یندگی از جانب شرکت نفت انجام می‌گیرد. به موجب ماده ۱۷ (الف) موافقت نامه اصلی ۱۹۷۳، اسکو

"به منظور انجام عملیاتی که شرکت نفت بدان محول می‌کند" تاسیس یافته است . ماده ۲ قرارداد خدمات ۱۹۷۳ صریحاً مقرر می‌دارد که عملیات محوله به اسکومی یا یستی از جانب و تحت اداره و کنترل همه‌جا نبه شرکت نفت صورت گیرد . ماده ۱۵ همان قرارداد بیان می‌دارد که کلیه هزینه‌ها و مخارج اسکو "از جانب شرکت نفت و به حساب این شرکت" تقبل خواهد شد .

این واقعیت که اسکوملزم بودا زجانب شرکت نفت عمل نمایندگا برتری پیمانکار مستقل ندارد . فی الواقع ، اراده خدمات به دستوریک طرف و کسب سودبرای طرف دیگر در طبیعت پیمانکاری است . اگرچه عبارت "از جانب" غالباً به ویژه در هنگام امضای اسناد ، به طور اجمال دلالت بر نمایندگی می‌کند ، با اینحال می‌تواند همچنین به این معنی باشد که به نفع یا به سودیک شخص دیگرا قدا می‌صورت می‌گیرد . در متن یک قرارداد ، این معنی اخیر ، لاقل همانقدر ، اگرنه بیشتر ، محتمل است که معنی اول . بنا بر این استعمال این کلمات وكلمات مشابه نمی‌توانندگا بر با پیمانکاری مستقل تلقی شود .

علاوه بر این ، لازم به یاد آوری است که ماده ۲ قرارداد خدمات ۱۹۷۳ در عین حال از اسکو به عنوان پیمان کار شرکت نفت نام برده و ماده ۳ همان قرارداد پیش بینی می‌نماید که شرکت نفت در تهیه برنا مه و بودجه ممکن است از اسکوبخواه که توسط مشاوران با پیمانکاران دست دوم مطالعات و بررسیها را بنا به درخواست شرکت نفت جهت کمک به تسهیل برنا مه ریزی قبلی انجام دهد . به همین نحو ، ماده ۴ پیش بینی می‌کند که اسکومی توافق قراردادها را به پیمانکاران دست دوم و مشاوران واگذار کند . بدین طریق ، قرارداد خدمات ۱۹۷۳ از اسکوبه عنوان پیمانکار شرکت نفت ، واشرکای قراردادی اسکودرا را به خدمات و کالاهای جهت عملیات مربوط به اکتشاف ، توسعه منابع و تولید نفت خام و گاز طبیعی ، به عنوان پیمانکاران دست دوم اسکو ، نام می‌برد . متن عبارات یاد شده ، این ادعای خواهان را که اسکوبه عنوان کارگزار شرکت نفت قراردادها را منعقد ساخته تائید نمی‌کند .

در قرارداد اجاره هیچ قید صریحی حاکی از اینکه قرارداد توسط اسکو ، به عنوان کارگزار شرکت نفت ، و از جانب او ، امضا گردیده ، به چشم نمی‌خورد . بالعکس ، قرارداد توسط نماینده "ایروس" با قید صریح در قرارداد مبنی بر این که وی برای اسکو و از جانب اسکو قرارداد را امضا می‌کند ، منعقد شده است .

با لآخره، این واقعیت که اویل فیلد ملزم بودیک سوگندنا مهوفا داری تکمیل و تسلیم نما یدها کی از وجود را بده کارگزاری نیست. سوگندنا مهوفا داری، بنا به شرایط خود، صرفا " گویای این واقعیت است که خدمات اویل فیلد در رابطه با فعالیتها بود که " با دولت، همراه با دولت و یا با شرکت دولت " صورت می گرفته است. اینکه دولت، از طریق شرکت نفت درا مرا استخراج نفت شرکت داشت و آن بهره می برد، روشن است. معهذا، از این واقعیت هیچ استنباطی که نمای نگر نقش خاص اسکو باشد نمی توان کرد.

لذا، دیوان داوری برای نظر است که خواهان دلایل کافی جهت اثبات اینکه اسکو کارگزار شرکت نفت بوده، ارائه نداهد است. شرایط قرارداد خدمات ۱۹۷۳ و قرارداد اجاره، مجموعا " حاکی است که اسکوبه عنوان یک پیمانکار اقدام به عقد قرارداد اجاره نموده است.

اینکه از اویل فیلد خواسته شده که "سوگندنا مهوفا داری" تسلیم نماید، نمی تواند دلیل کافی برای این نکته باشد که اسکوبه عنوان کارگزار شرکت نفت عمل کرده است.

خواهان همچنین اظهار می دارد که شرکت نفت مسئول تعهدات قراردادی اسکواست، چرا که اسکو تحت کنترل دولت ایران بوده است. بنابراین، دیوان باید تعیین کند که حدود اعمال کنترل توسط شرکت نفت، اگرچنین کنترلی در کاربوده، براساس تئوری شخصیت شانوی یا وحدت شخصیت، کافی برای گزاردن مسئولیت تعهدات قراردادی اسکومست قیمه "بردوش شرکت نفت بوده است یا خیر. خواهان برای اثبات اینکه اسکوا زمان تاسیس، تحت کنترل شرکت ملی نفت ایران بوده به ماده ۱۶ (د) و مواد ۱۷۵ (الف) و (ب) قرارداد اصلی ۱۹۷۳ و مواد ۲۵، ۳، ۶، ۲ و ۱۰ قرارداد خدمات ۱۹۷۳ استناد می نماید.

این نکته غیرقا بل بحث است که شرکت نفت به سبب شرایط فوق الذکر قرارداد اصلی ۱۹۷۳ و قرارداد اجاره ۱۹۷۳ نفوذ قابل ملاحظه ای را برآور مالی و عملیات شرکت نفت اعمال می کرده است. معهذا، مسئله کنترل شرکت نفت براسکورا باید از دیدگاه وسیعتری مورد ملاحظه قرارداد.

این واقعیت را با ید در مدنظر داشت که اعضای کنسرسیوم کلیه سهام اسکورا همیشه در اختیار داشته و دارد. اساساً مهاده اسکوبه هیچ روی حقوقی را که عموماً " ازمالکیت سهام سرمایه " یک شرکت ناشی می شود محدود نمی سازد. بنابراین اعضای کنسرسیوم، در ضمن مسائل دیگر، حق انتخاب هیات مدیره و معرفی رئیس و مدیر عامل و معاون وقايم مقام مدیر عامل را از میان

مدیران شرکت داشتند. بنا براین، شکی نیست که این اعضای کنسرسیوم بودند که نهاده بیان "اداره عملیات شرکت را در دست داشتند. نفوذی که توسط شرکت نفت اعمال می‌شده اساساً" بر مبنای شرایط قرارداد خدمات ۱۹۷۳ بوده و بنا براین خلصت "قراردادی بوده است. اعمال نفوذ شرکت نفت براسکوب راس شرایط قراردادی داشده اگرچه با دوسيعی را دربر داشته است - با اينحال اصولاً" از اعمال نفوذ هر کارفرمایی نسبت به يك پيما نکار مستقل - اگر این پيما نکار برای برآوردن احتیاجات يك کارفرمای واحد به وجود آمده، و عملاً هم این احتیاجات را برآورده می‌سازد - متفاوت نیست.

خواندگان همچنین به یادداشت مورخ ۸ مهر ۱۹۷۴ مه (۱۸ اردیبهشت ما ۱۹۵۳) آقای آر. میلن، مدیر عام وقت اسکو، به اعضای کنسرسیوم استناد می‌جویند. این یادداشت حاکی است که اعضای کنسرسیوم اسکورا به عنوان ابزاری که به وسیله آن می‌توانستند تا حدی بر عملیات شرکت نفت اعمال نفوذ شرکت نفت به اسکوب راسنای قرارداداً صلی ۱۹۷۳ و قرارداد خدمات ۱۹۷۳ می‌سد که اعمال نفوذ شرکت نفت به اسکوب راسنای قرارداداً صلی ۱۹۷۳ و قرارداد خدمات ۱۹۷۳ از کنترل تمام عیاریک شرکت توسط شرکت دیگر که درنتیجه آن شرکت کنترل کننده مسئول تعهدات شرکت تحت کنترل تلقی می‌شود، بسیار ضعیفتر است.

بعلاوه، خواهان اظهار میدارده که شرکت نفت مسئول تعهدات قراردادی اسکواست، زیرا شرکت نفت قائم مقام و جانشین اسکوب رای دیون و تعهدات وی می‌باشد.

خواندگان منکراین هستند که شرکت نفت قائم مقام قانونی اسکواست. ایشان استدلال می‌کنند که رابطه بین شرکت نفت و اسکوب باید طبق قوانین ایران تعیین شود و اینکه طبق این قوانین شرکت نفت نه جانشین قانونی اسکواست و نه اسکودر شرکت نفت ادغام گردیده است. خواندگان همچنین منکر وجود هر اصل عامی هستند که به موجب آن قائم مقام قانونی باید تعهدات و همچنین دارائیها سلف خود را در دست گیرد.

خواندگان اضافه می‌نمایند که تا ۱۹۷۹ (اواخر ۱۳۵۷) کارمندان خارجی اسکوا ایران را ترک کرده بودند. اگرچه شرکت نفت، در غیاب پیمانکار خود، یعنی اسکوالزا ماما "اداره امور روزمره اسکورا به دست نگرفت، با اینحال شرکت نفت اقداماتی درجهت ایفای وظایف و تعهدات خود طبق قوانین ایران و نیز طبق اساسنا مه خود صورت داده اداره عملیات حوزه‌های نفتی را شروع کرد. این عملیات، عملیاتی بود که شرکت نفت طبق اساسنا مه خود مسئول آن بوده و اجرای آن ضمن موافقت نامه اصلی ۱۹۷۳ به اسکو واگزا رشده بود. خروج کارکنان

خارجی اسکوازا ایران در دسامبر ۱۹۷۸ (آذر/دی ۱۳۵۲) با عث شد که اسکو نتوانست تعهدات خود را به موجب قرارداد خدمات ۱۹۷۳ ایفا نماید. و در غیاب پیمانکار، شرکت نفت چاره‌ای جزای نداشت که خود را سا "اقدام نماید.

خواهان مدعی این تیست که شرکت نفت درنتیجه ادغام یا جانشینی رسمی بز طبق قوانین ایران قائم مقام اسکو گردیده است.

معهذا، صرفنظر، و جدا از ادعای خوانندگان مبنی بر اینکه شرکت نفت مجبور به اداره عملیات حوزه‌های نفتی بوده، مدارک و مستندات زیادی در این پرونده را شهده که ثابت می‌کند شرکت ملی نفت ایران ازدهم مارس ۱۹۷۹ (۱۹ اسفندماه ۱۳۵۷) تدریجاً "کنترل کارکنان و عملیات حوزه نفتی اسکورا به دست گرفته و قراردادها را که اسکو با پیمانکاران و مشاوران جهت اجرای این عملیات منعقد ساخته بود، تقبل نموده است.

۱ - نامه مورخ ۱۰ مارس ۱۹۷۹ (۱۹ اسفندماه ۱۳۵۷) آقای حسن نزیه مدیرعامل وقت شرکت نفت به اعضای کنسرسیوم از این نظر جالب توجه است. در این نامه شرکت نفت فسخ قرارداد اصلی ولغورا ب طه شرکت نفت با اسکورا اعلام می‌کند، سپس نامه‌ای فرا مید:

۲ - در عملیات آتی ما، جائی برای اسکو (شرکت خدمات نفتی) و تعداً ذکثیراً رجیانی که برای آن کار می‌کردن دنخواه دبود. موضوع کارکنان خارجی برای ما موریت در نزدما یا برای استفاده مستقیم از طرف ما قبلاً طبق تلکس شماره جی آر ۲۸ مورخ ۲۲ زانویه ۱۹۷۹ (۲ بهمن ماه ۱۳۵۲) و تلکس‌های بعدی اطلاع داده شده است.

.....

۴ - کلیه کارکنان ایرانی که برای عملیات دراست خدمات می‌باشد طبق مواد شرکت خدمات می‌باشد که برای آنها با شرکت خدمات، به شرکت ملی نفت ایران انتقال خواهد یافت.

۵ - شرکت ملی نفت ایران مایل است که کلیه قراردادها را که شرکت خدمات با مقاطعه کاران و مشاوران برای عملیات خود منعقد نموده، به موجب ترتیبات فعلی عهده دار گردد.

۶ - طی بخشنا مه مورخ ۳ مارس ۱۹۷۹ (۱۲ اسفندماه ۱۳۵۷) شرکت نفت لزوم "ادغام" تدریجی سازمانها و عملیات فعلی شرکت نفت و اسکودر آبادان و حوزه‌های نفتی، را اعلام داشت.

۳ - طی بخشنا مه دیگری به تاریخ ۲۲ ژوئیه ۱۹۸۰ (۲۱ تیرما ۱۳۵۹) وزارت نفت اعلام نمود:

از تاریخ اول مردادماه ۱۳۵۹ (۲۳ ژوئیه ۱۹۸۰)، دفترتهران - مناطق نفتخیز (شرکت سابق خدمات نفت) منحل و واحدهای تابعه آن به ترتیب زیر در واحدهای مربوطه شرکت ملی نفت ایران ادغام میگردد.

۴ - طی تلکس ارسالی دراواخر مارس ۱۹۷۹ (اول فروردینماه ۱۳۵۸) به شانزده شرکت شرکت نفت خود را طرف کلیه قراردادهای منعقده توسط شرکت خدمات اعلام داشت. متن تلکس بدین شرح است:

از ما خواسته شده که به اطلاع شما بر سانیم که به آقای اسماعیل فخرائی به سمت مدیر اداره حفاری منصوب و نماینده شرکت در تما م قراردادهای اسکو که مربوط به حفاری است میباشد.

از شما درخواست مینماییم که انتصاب فوق را به اطلاع شرکتهای وابسته، شرکت های تابعه و پیمانکاران فرعی بر سانید.

۵ - نامه های ارسالی شرکت نفت به شرکتهای که با اسکو قرارداد بسته بودند حاکی است که شرکت نفت به موجب قراردادهای فوق پرداختهاشی به شرکتهای مربوط صورت داده است.

۶ - شرکت ملی نفت ایران، همچنین تعدادی نامه به شرکتهای مختلف ارسال و از آنها خواسته است که عملیات موضوع قراردادهای منعقده توسط اسکو را انجام دهند.

۷ - شرکت نفت تعدادی نامه به شرکتهای که با اسکو قرارداد بسته بودند، ارسال و ضمن آن مدعی حق اختیار خرید به موجب این قراردادها گردیده است.

۸ - به همین نحو، شرکت نفت طی نامه های دیگری، ادعای حق فسخ قرارداد را در موارد معینی به موجب قراردادهای منعقده توسط اسکو، رانموده است.

۹ - طی مصالحتا مه مورخ ۳۰ اوت ۱۹۷۹ (۸ شهریورما ۱۳۵۷) درخصوص برخی اختلافات با یک شرکت امریکائی، شرکت نفت صریحا "در مقدمه این سندا ذعا ن نمود که نفس اسکو را به موجب قرارداد مربوط به عهده گرفته است".

۱۰ - با لاخره ، دولت ایران در دو پرونده مطروحه علیه چیز مانها تا ن با نک نیویورک ، وردینگ اندبیتس آفسور دریلینگ کا مبنی در نزد دیوان داوری (ادعا های شماره ۵۷۶ و ۵۸۰) به موضوع اظهار داشته که شرکت نفت قائم مقام قانونی اسکواست .

از بدو تاسیس اسکودرسال ۱۹۷۳، روابط و مناسبات آن با شرکت ملی نفت ایران، همانطور که در با لاشا رفت، از کیفیت و طبیعت پیچیده ای پرخوردا ربوده و شرایط و خصوصیات این پرونده منحصر به فرد می باشد . جای تعجب نیست که این خصوصیات و شرایط در حیطه اصول کا ملا" تکامل یا فته و تعریف شده حقوقی نمی گنجد . بنا بر این، مقررات حاکم در این مورد را ساید از اصول حقوق بین الملل قابل اعمال در شرایط مشابه با از اصول حقوقی عام، استنتاج کرد توسعه و پیشرفت حقوق بین الملل همیشہ بصورت تفرقه ایندی زکا زبردا بین قبیل اصول حقوق منجز و محرز در اوضاع و احوالی که قبله" حادث نشده، بروزده است .

اسنادومدارک موجود در این پرونده نما یا نگار آنست که اجرای وظایف ارجاعی شرکت نفت به اسکوپس از سال ۱۹۷۹<sup>۱</sup> متوقف نشد، بلکه به جای آن، شرکت نفت خود را سا " این وظایف را با کارکنان اسکودر چرا رجوب سازمان و تشکیلاتی که در اغلب مواد قبله" توسط اسکوا بیجا د گردیده بود، مستقیما " به عهده گرفت . اوضاع و احوال و شرایط واقعی در دست گرفتن کنترل پرسنل و عملیات اسکوتوسط شرکت نفت و وضع یدا و برق را داده ای منعقده با پیمانکاران دست دوم و مشاوران منتهی به جانشینی بالفعل شرکت نفت نسبت به حقوق و تعهدات اسکودر را تباطط با پیمانکاران دست دوم و مشاوران یا دشده گردید .

در مورد آثار و نتایج حقوقی این جانشینی بالفعل لازم به تذکر است که شرکت نفت از زمان تاسیس اسکودرسال ۱۹۷۳، از طریق روش تامین اعتبار مژووح در ماده ۱۵ قرارداد خدمات ۱۹۷۳ مرتبه " وجوه لازم جهت ایفای تعهدات اسکورا در اختیار شرکت اخیر الذکر قرارداده است . می توان پذیرفت که طرفهای تجاری اسکوروی این واقعیت تکیه می کردن که شرکت نفت همچنان به تامین این وجوه به اسکو طبق تجویز ماده دهادا مه خواهد داد . از شقطه نظر اصول کلی حقوقی مشکل بتوان پذیرفت که پی آ مدжа نشینی بالفعل که در سال ۱۹۷۹ به وقوع پیوست این با شدکه شرکت نفت از تعهدات قبلی خود داده بود . این اعتبار وجوده لازم جهت ایفای مسئولیت‌ها ی ناشی از قراردادهای منعقد توسط اسکو جهت ارائه خدمات و کالاهای در رابطه با عملیات مربوط به اکتشاف، توسعه و تولید نفت خام و گاز طبیعی، به طور کامل سرباز زند . این واقعیت که هیچ ادغام قانونی یا جانشینی رسمی بر طبق قوانین ایران بین دو شرکت صورت نگرفته این نتیجه گیری را تغییر نمی دهد . قوانین داخلی در مورد ادغام

و جا نشینی عموما " شا مل مقرراتی است که از منافع طلبکاران شرکتی که موجودیتش خاتمه می‌یابد حمايت می‌کند. چنانچه جا نشینی بالفع حقوق و تعهدات در زمینه‌ای بدون رعایت این مقررات به موجب قانون حاکم داخلی به مرحله عمل درآید، در اینصورت اهمیت وضع قانونی تحت حقوق بین الملل مبنی بر اینکه پی‌آ مدچنین جا نشینی الزام شرکت لاحق به جبرا ن خسارات به نحو مقتضی، با در نظر گرفتن کلیه جوانب و اوضاع و احوال مربوطه دعوا باشد، حتی بیشتر می‌شود.

دیوان دا وری برایین نظر است که در مورد حاضر کلیه مواد مشابه متروح در دیوان وظیفه تعیین حدود مسئولیت و میزان تعهد شرکت نفت با شعبه مربوطه است، چهاین موضوعات به نحو احسن ضمن استماع مسائل ما همی پرونده حل و فصل می‌گردند.

بنا به دلایل مذکور در فوق

دیوان دا وری در مورد مسئله صلاحیت متروح در لایحه دفا عیه مقدماتی مورخ ۳۵ آوریل ۱۹۸۲ (۱۰ اردیبهشت ماه ۱۳۶۱) برایین نظر است که :

شرکت ملی نفت ایران جا نشینی بالفع حقوق و تعهدات اسکواست و دیوان نسبت به ادعاهای اولیل فیلدز، دارای صلاحیت است.

---

بدینوسیله پرونده جهت اداده رسیدگی به شعبه یکم عودت داده می‌شود.

لاهه ،

بهنا ریخ ۷-۸ دسامبر ۱۹۸۲ برا بربا ۱۶ آذرماه ۱۳۶۱

مختار محمد مدحت

گونار لارگرن

رئیس دیوان دا وری

بهنا م خدا

محمد مدحت

محمود م. کاشانی  
نظر مخالف

William August

نیلس منگارد

Alfred

پی برلنه

بهنا م خدا

George J. Albrecht

جرج ا. ج. الدربیج

T.

شفیع شفیعی  
نظر مخالف

Richard M. Hutzman

هوارد ا. هولتزمان  
نظر موافق

بهنا م خدا

مختار

مصطفی جهانگیرشانی  
نظر مخالف

Richard M. Monk

ریچارد ا. ماسک  
نظر موافق